

توصیف و تحلیل ساخت‌های ایدئولوژیک در گفتمان دادگاه خانواده، زنان خواستار طلاق بر پایه‌ی
رویکرد ون‌دایک (۲۰۰۶): رویکرد زبان‌شناسی حقوقی

حسین حلاج‌زاده بناب^۱

*دکترسید فرید خلیفه‌لو^۲

دکتر فردوس آقاگل‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۹

تاریخ تصویب: ۹۶/۱/۱۷

چکیده:

نظر به نقش سازوکارهای زبانی در بازتولید سلطه اجتماعی و کنترل ذهن سوژه‌ها از طریق بازنشر ایدئولوژی‌ها، کشف سطوح زیرین جنبه‌های سطحی که مربوط به سازمان‌دهی ساختاری کلام، است می‌تواند به ظهور یک بینش عمیق‌تر منجر شود. شناخت زبان به مفهوم گفتمانی آن، ابزار مناسبی برای تحلیلی واقع‌گرایانه از اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های گروه‌ها را فراهم می‌سازد. نوشته‌ی حاضر به تحلیل گفتمان زنان خواستار طلاق در دادگاه‌های خانواده، بر پایه‌ی نظریه‌ی جامعه، شناخت و گفتمان ون‌دایک (۲۰۰۶) پرداخته و حاصل ۲۰ جلسه حضور تصادفی در دادگاه خانواده‌ی شهر زاهدان و ثبت اظهارات ۲۰ زن خواستار طلاق هست. تحقیق به شیوه‌ی استفاده زنان موردتحقیق از ابزارهای زبانی برای بیان ایدئولوژیک خواسته‌هایشان و راه‌های اقناع قاضی، می‌پردازد و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این زنان از همه‌ی ابزارها و راهبردهای نحوی، بلاغی و واژگان برای بزرگ‌نمایی کارهای مثبت خود و منفی همسرانشان استفاده می‌کنند و دراین‌بین، بیشترین تلاش زنان بر روی بزرگ‌نمایی کارهای منفی همسران و اطرافیانش بوده و جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، کمتر به کوچک‌نمایی اعمال منفی خود و کارهای مثبت طرف مقابل می‌پرداختند؛ یعنی عملاً زنان از الگوی اضلاع مربع ایدئولوژیک ون‌دایک یعنی از دو ضلع مربع ایدئولوژیک ون‌دایک کوچک‌نمایی اعمال منفی خود و مثبت طرف مقابل کمترین بهره را می‌برند.

۱ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (h.hallaj@pgs.usb.ac.ir)

* ۲ استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول). (khalifehloo@English.usb.ac.ir)

۳ استاد گروه زبانشناسی دانشگاه تربیت مدرس (aghagplz@modares.ac.ir)

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی - تحلیل گفتمان دادگاه - تحلیل گفتمان انتقادی - الگوی ون‌دایک (۲۰۰۶) - دادگاه خانواده

۱ - مقدمه

با توجه به نقش مهمی که عوامل و سازوکارهای زبانی در بازتولید سلطه اجتماعی و کنترل ذهن سوژه‌ها از طریق بازنشر ایدئولوژی‌ها ایفا می‌کنند، کشف سطح‌های زیرین آن جنبه‌های سطحی که مربوط به سازمان-دهی ساختاری کلام است، می‌تواند به ظهور یک بینش بارور و عمیق‌تر منجر شود. شناخت زبان به مفهوم گفتمانی آن، ابزار مناسبی برای تحلیلی واقع‌گرایانه از اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های گروه‌ها فراهم می‌سازد. در این مقاله گفتمان زنان خواستار طلاق در دادگاه‌های خانواده با توجه به تئوری (۲۰۰۶) ون‌دایک، با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

زبان‌شناسی حقوقی رویکرد نوینی در زبان‌شناسی کاربردی به شمار می‌رود که بر عملکرد شاخه‌های متعدد زبان‌شناسی همچون تحلیل گفتمان، معنی‌شناسی در تشخیص معانی حقوقی واژگان، آواشناسی در تشخیص هویت، نگارش متون حقوقی در ارتباط با قانون نظارت دارد. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۷). اگرچه موضوع تحلیل گفتمان حقوقی، امروزه به‌عنوان یکی از موضوعات حائز اهمیت در زبان‌شناسی حقوقی مطرح است، اما تحقیقات صورت گرفته در این حوزه به پنج دهه گذشته در پژوهش‌هایی که دیوید کریستال^۱ و درک دیوی در سال ۱۹۶۹ انجام داده‌اند بازمی‌گردد که آن‌ها در تحقیقاتشان و بر روی گونه‌ی زبان حقوقی کار کرده بودند. همان‌گونه که گروت^۲ (۲۰۰۳) بیان می‌دارد: حوزه‌ی عملکرد پژوهش‌هایی از این قبیل نه تنها به دانش زبان‌شناختی بلکه به نیازهای مجامع قانونی همچون دادگاه‌ها متکی هست. در ایران مطالعات متعددی در زمینه‌ی تحلیل گفتمان حقوقی صورت گرفته که در زیر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

آقاگل‌زاده (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «زبان‌شناسی قضایی (قانونی) رویکرد نوین در زبان‌شناسی کاربردی» در نخستین همایش ملی انجمن زبان‌شناسی ایران برای اولین بار این رویکرد نوین را به جامعه علمی ایران معرفی کرده و بعداً در سال ۱۳۹۱ در کتابی با عنوان «زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)» این رویکرد جدید را به صورت مبسوط و با شرحی کامل، شاخه‌های گوناگون این رشته، اعم از آواشناسی قضایی، تحلیل گفتمان قضایی، پزشکی قانونی و سایر شاخه‌های کاربردی این گرایش را معرفی نموده‌اند. **داوودی ریسی (۱۳۸۴)**، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود ابتدا به‌طور کلی به ارائه‌ی نظریات مختلف روان‌شناسی و ارتکاب جرم در نوجوانان پرداخته و با متغیرهای مستقل سن، جنس و روابط قدرت و متغیرهای وابسته گونه‌ی کلامی کودکان بزهکار، به رابطه میان قدرت و نحوه‌ی دفاع کودکان را مطرح می‌سازد. وی به معرفی پیشینه‌ی آیین دادرسی اطفال در ایران و قانون مدنی پرداخته و با توجه به نظریات کولتارد، هریس و گیبونز و در یک جامعه‌ی آماری ۴۰ نفره، در دو جنس پسر و دختر به بررسی گونه‌ی کلامی آن‌ها از طریق

¹ D. Crystal

² G.R.Groot

نوشتاری همت گماشته و در پایان با مشخص کردن ویژگی‌های مشترک ژانر دفاعی کودکان به بررسی متن گفتگوی نمونه استننا با قاضی پرداخته و می‌گوید که دفاع کودکان فاصله‌ی زیادی از یک دفاع مطلوب دارد.

از سایر مقالات نگاشته شده در مورد این رویکرد می‌توان به **روشن (۱۳۹۴)، تقی‌پور (۱۳۹۴)، لسانی و بریمانی (۱۳۹۲)** و **مؤمنی (۱۳۹۱)** نام برد.

ون‌دایک بر این باور است که بین ساختارهای گفتمان و ساختارهای اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی وجود ندارد و آن‌ها همیشه به واسطه‌ی شناخت فردی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌شوند و شناخت، حلقه‌ی گمشده‌ی بسیاری از مطالعات زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی است. از این رو، او مثلث «جامعه - شناخت - گفتمان» را ارائه می‌دهد. در عین حال که ون‌دایک به شناخت اهمیت زیادی می‌دهد، معتقد است به دلیل اینکه اساساً ماهیت گفتمان، کلامی است؛ تحلیل گفتمان انتقادی نیازمند پایه‌ی صرفاً زبان‌شناختی نیز هست. در مثلث ون‌دایک گفتمان در مفهوم گسترده، به رویداد ارتباطی اطلاق می‌شود که شامل تعاملات گفتاری، متن نوشتاری، حرکات بدن، تصاویر و سایر دلالت‌های نشانه‌شناختی است. منظور از شناخت در اینجا، شناخت فردی و اجتماعی، باورها، اهداف و ارزش‌یابی‌ها، احساسات و سایر ساختارهای ذهنی یا حافظه، بازنمایی‌ها یا فرایندهای مرتبط با گفتمان و تعامل است؛ و بالأخره جامعه، هم تعاملات رودررو و موقعیتی خُرد محلی را در برمی‌گیرد و هم ساختارهای کلان سیاسی، اجتماعی، جهانی که بر اساس گروه و روابط گروهی (چون سلطه و نابرابری) تعریف می‌شوند، مانند جنبش‌ها، نهادها، سازمان‌ها، فرایندهای اجتماعی، نظام‌های سیاسی و ویژگی‌های انتزاعی‌تر جوامع و فرهنگ‌ها (ون‌دایک، ۲۰۰۱).

اعضای گروه‌های اجتماعی نیز در راستای همین طرح‌واره‌ی ایدئولوژیکی، به قطب‌بندی میان خودشان به‌عنوان «گروه خودی» و دیگران به‌عنوان «گروه غیر خودی» می‌پردازند و به هنگام صحبت، از ضمائر «ما» و «آن‌ها» استفاده می‌کنند. در همین رابطه ون‌دایک مربعی ایدئولوژیکی پیشنهاد می‌کند که اضلاع آن عبارت‌اند از:

- ۱- تأکید بر نکات مثبت خود و خودی‌ها ۲- تأکید بر نکات منفی طرف مقابل ۳- رفع تأکید از نکات منفی خود و خودی‌ها ۴- رفع تأکید از نکات مثبت طرف مقابل.

فرض بر این است که زنان خواستار طلاق نیز به‌عنوان یکی از دو جنس بشری در گفتارشان برای نیل به اهداف چهارگانه‌ی فوق، از ابزارهای زبانی استفاده می‌کنند تا بتوانند به‌صورت مسالمت‌آمیز دست به تولید متن زده و سعی دارند تا این متن تولیدشده را با راهبردهای زبانی با هاله‌ای از معانی ایدئولوژیکی تلفیق نمایند تا بهتر بتوانند نظر خود را به مخاطب به شیوه‌ی اقناعی القاء نمایند. از بین گفتمان‌های متعدد زنان در زندگی، در نوشته‌ی پیش رو، گفتمان زنان خواستار طلاق در دادگاه‌های خانواده، بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (جامعه - شناخت - گفتمان) ون‌دایک (۲۰۰۶) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است تا بتوانیم مفاهیم رویکرد مذکور را در گفتمان این زنان محک زده و میزان انطباق یافته‌های این رویکرد با گفتمان زنان در دادگاه خانواده را مورد بررسی قرار دهیم. برای نشان دادن رابطه‌ی بین گفتمان و ایدئولوژی با ارجاع به گفتمان

زنان خواستار طلاق، درصدد پاسخ به این پرسش‌ها خواهیم بود که چگونه زنان (من) و مردان (او) به ترتیب به‌عنوان گروه‌های جنسی اجتماعی بازنمایی می‌شوند و چگونه راهکار مثبت‌نمایی «من» و منفی‌نمایی «او» وسیله‌ای برای بازتولید و اشاعه‌ی ایدئولوژی حاکم بر گفتمان زنان خواستار طلاق می‌گردد.

۲- روش پژوهش

در پژوهش حاضر، نگارندگان با حضور در ۲۰ جلسه‌ی دادگاه خانواده‌ی شهر زاهدان و ثبت مکتوب اظهارات ۲۰ زن خواستار طلاق دارای سنین ۲۵ تا ۴۵، مدرک تحصیلی دیپلم تا لیسانس و از جامعه و طبقه‌ی شهری، به مطالعه و بررسی آن‌ها پرداخته است. با توجه به محدودیت استفاده از ابزارها و رسانه‌های الکترونیکی در فضای دادگاه، سعی بر این شد که به‌صورت مستقیم و با حضور در جلسه‌ی دادگاه، اظهارات زنان مورد مطالعه به‌صورت مکتوب ثبت گردد. برای افزایش اعتبار داده‌ها، سعی شد محقق در جلسات دادگاه برای دوری از فضای مصنوعی و برای پرهیز از ثبت اظهارات تصنعی، به‌عنوان کادر قضایی معرفی شده و در جلسه‌ی دادرسی هم‌ردیف قاضی دادرس و دیگر متصدیان قضایی نشسته و به ثبت مکتوب اظهارات بپردازد.

داده‌های جمع‌آوری‌شده، بعد از ثبت مکتوب، با توجه به الگوی جامعه، شناخت و گفتمان ون‌دایک (۲۰۰۶)، به چهار طبقه‌ی مطرح در مربع ایدئولوژیک ون‌دایک (بزرگ‌نمایی مثبت خود و خودی‌ها، بزرگ‌نمایی منفی طرف مقابل، کوچک‌نمایی مثبت طرف مقابل و کوچک‌نمایی منفی خود و خودی‌ها) دسته‌بندی شده و در گام بعدی، راهبردهای زبانی مطرح در نظریه‌ی ون‌دایک (۲۰۰۶) از این دسته‌های چهارتایی استخراج و تحلیل شده و بسامد آماری به همراه هدف کاربردشناختی هر راهبرد به‌صورت مجزا ارائه گردیده است.

۳- تحلیل داده‌ها

۱-۳ واژه‌ها

واژه‌پردازی، قلمرو عمده و شناخته‌شده‌ی بیان و اقناع ایدئولوژیک است، در این زمینه می‌توان به جفت معروف «تروریست‌ها» در مقابل «مبارزان راه آزادی» اشاره کرد. اهل زبان برای اشاره به اشخاص، گروه‌ها، روابط اجتماعی یا موضوعات اجتماعی یکسان، معمولاً بنا بر نوع گفتمان، بافت شخصی (وضعیت روحی، عقیده و دیدگاه)، بافت اجتماعی (رسمی بودن، آشنایی، عضویت در گروه و روابط سلطه) و بافت اجتماعی-فرهنگی (گونه‌های زبانی، گویش اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها) امکان انتخاب چندین کلمه را دارند. بسیاری از این بافت‌ها منشأ ایدئولوژیک دارند، همین‌طور، این امر در مورد بازنمایی مشارکین گفتمان و روابط متقابل آنان در مدل‌های بافتاری و بازنمایی مشارکین و کنش‌ها در مدل‌های رویدادی نیز مصداق پیدا می‌کند. (ون‌دایک، ۱۹۸۲)

گفتمان زنان خواستار طلاق نیز از این ابزار بیان ایدئولوژی فارغ نبوده و در لابه‌لای اظهارات خود مبنی بر علت درخواست طلاق، از خیل عظیمی از واژه‌های ایدئولوژیک استفاده می‌کنند. همان‌طوری که در بالا ذکر شد، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین کارکردهای ایدئولوژیکی زبان، استفاده از راهکار مثبت‌نمایی «خود» و منفی‌نمایی «دیگران» است و اساس آن بر پایه‌ی همان مربع ایدئولوژیکی بنا نهاده شده است که پیش‌تر بدان اشاره شد. در گفتمان این زنان در دادگاه، بیشترین تلاش بر روی این مسئله بود که به‌نوعی با استفاده از واژه‌های دارای بار ایدئولوژیک، بر مثبت بودن خود و خودی‌ها و منفی بودن طرف مقابل و اطرافیان تأکید می‌کنند. پاره‌ای از این واژه‌ها در راستای بزرگ‌نمایی اشتباه، یا اعمال منفی طرف مقابل (همسر یا خانواده‌اش) و پاره‌ای نیز در راستای کوچک‌نمایی اعمال مثبت آن‌ها هستند.

در نمونه‌های زیر که از اظهارات زنان مورد مطالعه می‌باشند، برای بزرگ‌نمایی خصایص منفی همسرانشان از واژه‌هایی استفاده شده تا بتوانند راحت‌تر به اهداف القاء ایدئولوژیک خود، دست یافته و علت درخواست طلاق خود را موجه، ضروری و قانع‌کننده نشان بدهند. برای سهولت درک، در جملات زیر، این واژه‌ها پررنگ نشان داده شده است.

- این آقا خیلی **دهن بینه**.
- شوهرم آدمی **روانیه**، تهمت می‌زنه. (استفاده از صفت روانی بجای صفت کج خلق)
- خانواده‌اش خیلی **بدجنس اند**. (استفاده از صفت بدجنس بجای واژه‌هایی مثل بدرفتار و ...)
- شوهرم خیلی **کتک کاره**. منو تا حد **کشت** می‌زد.
- خیلی **بی خیاله**. یارانه رو خرج **دود و دمش** می‌کنه.
- اول دیدم **دختر بازی** هم می‌کند.
- **سمجه**، یه چیز که زد به سرش دست بردار نیست.
- **خیلی عصبی اند**.
- **شکاکه**، به همه چیز شک می‌کنه.
- بد دهنه، رک و پوست‌کنده به مامانم و آبی‌ام **فحش ناموسی** میده.
- **یه دنده** هستند.
- **اهل زندگی** نیست، **عرضه** کار نداره.
- خیلی **هرزه** است. تو خیابون هر دختری رو می‌بینه بهش هر مارکی رو می‌زنه.
- خیلی **بی مسئولیتنه**. در این ۴ سال ریالی کاسب نشده.

با دقت در نمونه‌های بالا می‌توان به انتخاب ایدئولوژیک کلمات توسط زنان پی برد. در هر نمونه، گوینده از بین مجموعه‌ی از واژه‌های دارای بار معنایی منفی، کلمه‌ای را انتخاب کرده است که دارای بار معنایی منفی تری نسبت به دیگر کلمات هم‌معنا یا نزدیک به لحاظ معنایی دارد. مثلاً در نمونه‌ای، گوینده برای اشاره به انحرافات اخلاقی شوهرش، بجای استفاده از واژه‌هایی

مثل «منحرف، عدم پایبندی به زندگی، چشم چران، هوس باز» از صفت «هرزه» استفاده کرده است. هرچند همه‌ی این صفات هم‌معنا، دارای بار معنایی منفی هستند، ولی صفت «هرزه» به لحاظ معنایی و کاربردشناختی منفی‌تر از بقیه صفات جایگزین است. یا در آخرین نمونه، گوینده می‌توانست از صفات «بیکار، بی‌عار، تن‌پرور و ...» استفاده بکند که بجای همه‌ی آن‌ها از صفت «بی‌مسئولیت» استفاده کرده است، چون این صفت از لحاظ معنایی و کاربردشناختی شامل همه جوانب لازمه یک زندگی مشترک می‌شود و بنابراین دارای تأثیر اقناعی و بازنمایی منفی‌تری نسبت به بقیه کلمات است. در نمونه‌ای مشابه، گوینده خانواده‌ی همسرش را بدجنس خطاب کرده است. این خانم می‌توانست برای اشاره به صفت منفی خانواده‌ی همسرش، از صفاتی نظیر «بدرفتار، بی‌فرهنگ، عقب‌مانده، سستی و ...» اشاره بکند، ولی از صفتی استفاده کرده است که دارای بار معنایی منفی‌تری است، چون صفت «بدجنس» در زبان فارسی به لحاظ معنایی و کاربردشناختی دارای بار معنایی منفی‌تری نسبت به دیگر صفات هم‌معنا است.

در نمونه‌های زیر نیز همین زنان برای بزرگ‌نمایی کارهای مثبت خود از واژه‌هایی نظیر واژه‌های پررنگ شده استفاده می‌کنند تا بهتر بتوانند نکات مثبت و خصایص والای خود را برجسته کنند.

- خودش می‌گه اگه تو نبودى من مى‌شدم **کارتن خواب**.
- مى‌خواستم با بچه‌دار شدنم زندگیمونو **پایدار** کنم.
- مى‌دونم روانیه ولی مى‌خواستم باهاش **بسازم**، ولی این با **حیثیتم** بازی می‌کنه.
- دیسک کمر گرفتم، مثل یه **بچه** لباسشو تنش می‌کردم، موهاشو شونه می‌کردم، کفشاشو پاش می‌کردم. حتی مامانش هم یه بار نیومد کمکم.
- در خونه این خانم مثل یک **کلفت** کار می‌کردم.
- تمام خرج زندگی رو **دوش** منه.
- این سرش تو خماریشه منم **خسته** از کار روزانه‌ی بیمارستان و زندگی، دیگه **بی‌هوش** میشم و می‌خوابم.

با دقت در نمونه‌های بالا می‌توان دریافت که گوینده برای بازنمایی مثبت خود از بین کلمات هم‌معنی و یا نزدیک به لحاظ معنایی، از کلمه‌ای استفاده کرده است که به لحاظ معنایی دارای بار مثبت و اثر اقناعی بیشتری نسبت به بقیه کلمات هم‌معنا دارد. برای نمونه، گوینده در نمونه‌ی «دیسک کمر گرفتم، مثل یه **بچه** لباسشو تنش می‌کردم، موهاشو شونه می‌کردم، کفشاشو پاش می‌کردم» خدمت به شوهرش را به خدمت به **بچه** تشبیه کرده است. با توجه به اینکه مراقبت از **بچه**، شامل تمامی خدمات و حمایت‌ها، اعم از جزئی‌ترین حمایت‌ها گرفته تا بزرگ‌ترین خدمات را شامل می‌شود. گوینده می‌توانست بجای استفاده از واژه‌ی **بچه**، از واژه‌های «انسان، شوهر، مرد، مادر و ...» استفاده بکند. یا در نمونه‌ای دیگر از کلمه «**حیثیت**» استفاده شده است. گوینده بجای اینکه بگوید با آبرو، شهرت، زندگی، سرنوشت و آینده‌ام بازی می‌کند، از لفظ **حیثیت** استفاده کرده است؛ زیرا در زبان فارسی واژه‌ی **حیثیت** از لحاظ کاربردشناسی و اجتماعی هم شامل آبرو، آینده، زندگی و ناموس می‌شود و گوینده با

بکارگیری این کلمه، خواسته است خود را حساس به این مقوله نشان داده و به هدف بازنمایی مثبت خود نائل گردد. کلمات پررنگ شده‌ی نمونه‌های بالا مثل «کارتن خواب، کلفت، بی‌هوش و...» همگی این ویژگی‌های ایدئولوژیک بالا را دارا هستند. به طوری که از ۳۲۸ واژه‌ی مورد استفاده با این هدف ۷۵ واژه برای بزرگنمایی کارهای مثبت خود و خودی‌ها و ۲۱۷ واژه مربوط به بزرگ‌نمایی اشتباه، یا منفی جلوه دادن اعمال طرف مقابل بودند.

با دقت در داده‌های بخش قبلی می‌توان دریافت که زنان مورد مطالعه در گفتمان خود با انتخاب واژه‌هایی خاص، از محور جانیشینی یا به عبارت دیگر، انتخاب یک واژه از بین چندین واژه‌ی هم‌معنا، اندیشه و ایدئولوژی خود را نمایان کرده است. در واقع می‌توان گفت، وقتی کسی بجای استفاده از واژه‌هایی نظیر «پیش خدمت، خادم، پادو و...» از واژه‌ای مثل «کلفت» استفاده می‌کند، از نظر کاربردشناختی، پیام بیشتر از صورت زبان‌شناختی است، یعنی واژه یا جمله دارای معنای کاربردشناختی و بار منظوری است نه فقط معنای شناختی. در پی القاء بار معنایی، تلاش و کار بیش از اندازه است. علاوه بر این معانی، گوینده می‌خواهد با کاربرد این واژه، به کم‌رنگ بودن نقش خود در زندگی نیز اشاره‌ای بکند، پس می‌توان نتیجه گرفت که اندیشه و ایدئولوژی زنان مورد مطالعه، در پشت واژه‌ها مخفی شده تا بتوانند با انتخاب مؤثرترین واژه به هدف اقناع مخاطب برسند. زنان مورد مطالعه در گفتمان خود، ۳۲۸ مورد واژه‌هایی را انتخاب کرده‌اند که این انتخاب یک انتخاب ایدئولوژیک بوده که از این ۳۲۸ مورد، ۷۵ مورد برای بزرگ‌نمایی کارهای مثبت خود و خودی‌ها و ۲۱۷ مورد برای بزرگنمایی اشتباه‌ها و اعمال طرف مقابل هست.

۳-۲ معنی‌شناسی موضعی^۱

آنچه درباره‌ی واژه‌پردازی گفته شد، به گونه‌ای عام‌تر در مورد کنترل معنا نیز مصداق پیدا می‌کند. انسجام موضعی به مدل‌ها، یعنی به بازنمایی‌های موقعیت که تحت کنترل ایدئولوژی هستند، بستگی دارد؛ بنابراین، دلایل و علل جانب‌دارانه‌ای که روابط را در مدل تعریف می‌کنند، ممکن است در معناشناسی موضعی تعصب‌آمیز جلوه‌گر شوند (ون‌دایک، ۱۹۹۳ الف).

خصوصیت مهم دیگر، معنی‌شناسی گفتمانی و روابط آن با مدل‌های ذهنی زیربنایی، (در نتیجه شناخت‌های اجتماعی)، ضمنی بودن آن است. از آنجاکه که ممکن است بخش‌هایی از مدل‌ها برای گیرندگان معلوم و آشکار باشد، گویندگان می‌توانند این اطلاعات را بدیهی فرض کنند. این گونه فرآیندهای معمول دانش متقابل، ممکن است به لحاظ ایدئولوژیک نیز کنترل شوند. این امر هنگامی رخ می‌دهد که گفته شود دانش در اختیار همگان قرار دارد، حتی اگر چنین نباشد مانند هنگامی که روزنامه‌ها

¹ Local semantics

درباره‌ی افزایش جرائم یا درباره‌ی کمبودهای زبانی مهاجران صحبت می‌کنند (وندایک، ۱۹۹۱ الف، ۱۹۸۸ الف، فلاور^۱، ۱۹۹۱).

به سخن کلی‌تر، ما درمی‌یابیم که در اصل، کلیه‌ی اطلاعاتی که به زیان گروه خودی تمام می‌شود، به صورت ضمنی باقی‌مانده و به حاشیه رانده می‌شود. اطلاعاتی که برای گروه غیرخودی ناخوشایند است، به طور صریح بیان شده و برجسته می‌شود و برعکس (نقاط منفی ما و نقاط مثبت آن‌ها به صورت ضمنی باقی می‌مانند) (وندایک، ۱۳۸۹: ۴۴۵).

چنان‌که ذکر شد، از بُعد کوچک‌نمایی نکات منفی خود، این زنان بندرت دست به کوچک‌نمایی نکات منفی خود می‌زدند، یا اصلاً از کارهای منفی خود حرفی نمی‌زدند و ویژگی‌های منفی و ناپسند خود را به حاشیه برده و از این خصایص منفی خود رفع تأکید می‌کردند. زنان مورد مطالعه تنها در ۱۷ مورد به نکات منفی خود اشاره‌ای داشته، ولی سریعاً علت این نکات منفی خود را توجیه، یا آن اعمال را معلول رفتار همسرانشان می‌دانستند. برای روشن شدن مطلب به دو مورد زیر دقت کنید.

- «چون ازش بی‌توجهی دیدم من هم ازش سرد شدم. تا کی منتظر محبتش بمونم؟»

در مطلب بالا، خانم می‌خواستند به قصور خود در زندگی (سرد و بی‌عاطفه بودن) اشاره‌ای بکنند. قبل از بیان اشتباه خود، علت آن را عدم بی‌توجهی شوهرش معرفی می‌کند تا بهتر بتواند از ویژگی منفی خود رفع تأکید نموده و این عمل اشتباه خود را معلول رفتار منفی آقا معرفی بکند.

یا دوباره در موردی دیگر که عین گفته در زیر آمده، خانمی که می‌خواست به علت طلاقش اشاره‌ای بکند، ضمن اشاره به کار منفی خود، سریعاً رفتار همسرش را معلول این عمل منفی خود معرفی کرد.

- این سرش تو خماریشه منم خسته از کار روزانه‌ی بیمارستان و زندگی، دیگه بی‌هوش میشم و می‌خوابم. میاد ساعت ۲ نصف شب منو بیدار می‌کنه و من هم حوصله ندارم، می‌گه این تمکین نمی‌کنه.

در اظهارات بالا نیز، این خانم قبل از اشاره به اشتباه و ذکر خصلت منفی خود، پیشاپیش به ذکر نکته‌ای منفی از شوهرش پرداخته، متعاقباً به یک ویژگی مثبت خود (کار و تلاش روزانه در بیمارستان) اشاره کرده و در مرتبه‌های بعدی به نکته منفی خود که عدم تمکین خاص است اشاره کرده است تا به این وسیله بتواند با استفاده از ابزار نحوی و ساختار متن، جملات حاوی مفاهیم منفی از خصلت‌های شوهرش را اولویت بخشیده و در اول متن آورده است و در مرتبه‌های بعدی ساختار متن و جمله‌ها، از جمله‌هایی استفاده کرده است که اشاره‌ای به قصورها و نکات منفی خود اشاره دارند. با این چینش نحوی و دست‌کاری ساختار متن از اشتباهات خود رفع تأکید نموده و آن‌ها را به حاشیه رانده است.

این امر در مورد گفتمان زنان مورد مطالعه‌ی این نوشته نیز صدق می‌کند زیرا این زنان در اظهارات خود به ندرت سخنی از نقاط منفی خود گفته و یا اشاره‌ای به نقاط مثبت طرف مقابل نداشتند. به طوری که از مجموع ۳۲۸ جمله که در راستای قطب‌بندی بر

¹ - flower

طبق مربع ایدئولوژیک ون دایک بودند، تنها ۲۰ جمله در مورد کوچک‌نمایی قصورات و نقاط منفی خود و خودی‌ها بود، در این مورد هم چنانچه در سطور قبلی هم ذکر شد، سریعاً وجود این کوتاهی‌ها و اعمال منفی را به اعمال منفی طرف مقابل مربوط می‌دانستند.

۳-۳ معنی‌شناسی عام: سرفصل‌ها

سرفصل‌ها یا کلان گزاره‌های معنایی گفتمان، به‌طور ذهنی به تعریف اطلاعاتی می‌پردازند که از نظر گویندگان از سایر اطلاعات گفتمان مناسب‌تر و مهم‌تر هستند. این بدان معناست که برجسته‌سازی نیز ممکن است تابع کنترل ایدئولوژیک قرار گیرد. می‌توان از گویندگان گروه خودی انتظار داشت که از اطلاعاتی که با منافع و یا خودانگاره‌ی مثبتشان ناهمخوان است، اهمیت-زدایی کنند و برعکس به برجسته‌سازی اطلاعاتی بپردازند که بر خصوصیات منفی گروه غیرخودی تأکید می‌کنند (ون‌دایک، ۱۹۹۱).

در گفتمان زنان مورد مطالعه نیز با چنین راهکاری برای آرایش اظهارات خود برای تأکید بر خصوصیات منفی طرف مقابل مواجه هستیم. این زنان در اول و شروع بیان اظهارات خود، اولویت را به مطالب مربوط به خصوصیات منفی همسران خود داده و آن نکات و خصایص منفی طرف مقابل را قبل از دیگر مطالب عنوان می‌کردند و هم‌چنین دیگر اظهارات، نظیر بزرگ‌نمایی خصوصیات مثبت خود و کوچک‌نمایی خصوصیات مثبت طرف مقابل را در مرتبه‌ای بعدی و یا در خاتمه‌ی اظهارات بیان می‌کردند.

در جدول زیر جملات اول یک جلسه در ستون سمت راست و اظهارات پایانی همان جلسه در ستون سمت چپ داده شده است.

جملات اول اظهارات	جملات آخر اظهارات
اول دیدمش دختربازی هم می‌کنه. همون اول ازدواج یه خانمی رو آورد خونه و گفت معلمه و خونه نداره من امشبو آوردمش خونه. هر شش و پنج سالی با یه خانمی دوس میشه.	آره من سردم. این سرش تو خماریشه منم خسته از کار روزانه‌ی بیمارستان و زندگی، دیگه بی‌هوش میشم و می‌خوابم. میاد ساعت ۲ نصف شب منو بیدار می‌کنه و من هم حوصله ندارم، می‌گه این تمکین نمی‌کنه.
شوهرم رفیق بازه، بی‌مسئولیته، برام بی‌میله. فقط گوشش با مامانشه. تا دو و سه نصف شب با دوستاشه. پاسوربازی و ...	مامانش خودش اومد خواستگاری من، الان هم چپ و راست پیام میده که برین جدا بشین. مسلماً من نباشم و هر کسی باشه خسته و سرد میشه.

خیانت، شوهرم خیانت کرد. با یه زن و دختر دیگه‌ای رابطه داشت. خودم دیدم توی گوشی‌اش دیدم. اولین بارش نبود با دوست صمیمی خودم.	مادرش کاری با کارم نداشت ولی خواهراش چون از اونا کوچک‌تر بودم که ازدواج کرده بودم به خاطر حسادت باهام رابطه‌ی خوبی نداشتند.
---	---

اظهارات مندرج در سمت راست جدول بالا، در شروع اظهارات بیان شده‌اند. چنان‌که در پاراگراف قبلی گفته شد، مطالب کم‌اهمیت‌تر و مربوط به کوچک‌نمایی خصوصیات مثبت طرف مقابل و بزرگ‌نمایی خصوصیات مثبت خودی، نسبت به بزرگ‌نمایی نقاط منفی گروه غیر خودی در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

ستون سمت چپ، جملات پایانی اظهاراتی بودند که جمله‌ی اولشان در ستون سمت راست داده شده‌اند. با دقت در هر دو نمونه بالا، می‌توان فهمید که جملات پایانی اظهارات یک خانم خواستار طلاق، اکثراً مربوط به مسائل فرعی هستند که در درجه‌ی ثانوی اهمیت قرار دارند و علت اصلی دادخواست طلاق نیستند.

۳- ۴ دستور

معانی ایدئولوژیک ساختارهای نحوی جملات که در متون مربوط به گفتمان کاوی بدان اشاره شده است، برای ما پدیده‌هایی آشنا هستند. برای مثال غالباً ترتیب کلمات و نیز ساختارهای تبدیلی جملات، ممکن است بر عاملیت زیرساختی معنایی (درواقع شناختی) دلالت کنند. به‌طور کلی و دست‌کم در انگلیسی عاملیت، مسئول یا فاعل دستوری یکی است و در جایگاه آغازین قرار می‌گیرد. این بدان معنی است که عقاید تحت نظارت ایدئولوژی درباره‌ی مسئولیت در قبال کنش‌های به لحاظ اجتماعی مثبت یا منفی، ممکن است به‌گونه‌ای متفاوت در قالب صورت‌های نحوی متفاوت بیان شوند (کرس ۱ و هادج ۲، ۱۹۹۳).

تبیین نظری این گونه‌های نحوی، همه منشأ ایدئولوژیک دارند و باید برحسب ساختارهای مدل ارائه شود. برجستگی‌های نحوی بیان‌گر و یا القاکننده‌ی برجستگی معنایی است که به‌نوبه‌ی خود ممکن است مرتبط با برجستگی بازیگران و خصوصیات آن‌ها در مدل‌های ذهنی باشد. در صورتی که خصوصیات منفی گروه‌های غیر خودی در مدل برجسته باشند، این امر ممکن است بر ترتیب نحوی کلمات و ساختار بند به‌گونه‌ای تأثیر بگذارد که عاملیت و مسئولیت بازیگران گروه غیر خودی به لحاظ نحوی مورد تأکید قرار گیرد (ون‌دایک و کینتس ۳، ۱۹۸۳).

زنان مورد مطالعه نیز در جلسات دادگاه از این ابزار زبانی برای پیشبرد ایدئولوژی خود در جهت اقناع مخاطب، از ابزارهای دستوری، نظیر ساخت‌های منفی، مبتداسازی و ساخت‌های تأکیدی برای نیل به بزرگ‌نمایی اعمال منفی همسران،

¹ -Kress

² Hodge

³ - Kintsch

کوچک‌نمایی اعمال مثبت آن‌ها، بزرگ‌نمایی کارهای مثبت خود و کوچک‌نمایی کارهای مثبت طرف مقابل استفاده می‌کنند. در زیر به ترتیب به ساخت‌های منفی و ساخت‌های تأکیدی مورد استفاده اشاره می‌شوند.

۳-۴-۱- ساخت‌های منفی

زبان‌شناسی نقش‌گرا، برای نقش ارتباطی زبان، اهمیت زیادی قائل است. صورت‌های زبانی را در خدمت کارکرد زبان می‌داند و عوامل محیطی و اجتماعی و موقعیتی را در پدید آمدن صورت‌های زبانی دخیل می‌شمارد. در رده‌شناسی موسوم به نقش‌گرا، صورت داده‌هایی از زبان‌های مختلف بر اساس یک نقش معنایی یا گفتمانی مشترک دسته‌بندی می‌شوند (کرافت، ۱۹۹۰: ۱۴).

گیون، از بنیان‌گذاران زبان‌شناسی نقش‌گرا، معتقد است هر گزاره یکی از انواع وضعیت‌های ایستا^۱، رویدادی^۲ و کنشی^۳ را بیان می‌کند (۲۰۰۱: ۱۰۶). از نظر او، جمله‌ی منفی معمولاً یک وضعیت ایستا را نشان می‌دهد و از منظر شناختی، هر رویداد یک تغییر در جهان ماست، جهانی که در غیر این صورت سکون پنداشته می‌شود که در آن روی دادن (در مقابل عدم رویداد) برجسته و حاوی اطلاع است و به صورت مثبت بیان می‌شود. گفتار منفی در شرایطی عکس این وضعیت به کار برده می‌شود، یعنی در شرایط زمانی و مکانی خاصی که در آن روی دادن وضعیت معمول بوده و عدم رویداد برجسته و حاوی اطلاع باشد. بر اساس نظر گیون، جمله‌ی منفی دارای اهداف ارتباطی و پیش‌انگاره‌هایی متفاوت از جمله‌ی مثبت است، در جمله‌ی مثبت گوینده چیزی را می‌داند که شنونده نمی‌داند، ولی در جمله‌ی منفی معمولاً گوینده باور نادرست شنونده را تصحیح می‌کند (همان: ۳۷۲).

زنان خواستار طلاق نیز عمده‌ی ساختارهای منفی را جهت تصحیح باور مخاطب بکار می‌برند. با این فرض که مخاطبین شکل مثبت این جملات را به‌عنوان پیش‌فرض در ذهن دارند و به همین خاطر با به‌کارگیری شکل منفی آن‌ها سعی دارند، این پیش‌فرض و باور ذهنی مخاطب تصحیح نمایند؛ مثلاً در جملات و عبارت زیر

- اصلاً دنبال کار نیست.
- من و بچه بهش اهمیت نداریم.
- به ما خرجی نمی‌ده.
- به هیچ ماده‌ی مخدری نه نمی‌گه.
- شعور نداره.
- خیلی بی‌فرهنگه.

1 - states

2 - events

3 - actions

- مسائل جنسی برآش مهم نیست.

اگر زمان صحبت کردن را زمان حال در نظر بگیریم و آنچه قبل از آن و بعد از آن است را به ترتیب زمان گذشته و آینده بدانیم، آنچه را که گوینده فرض نماید پیش از زمان حال یا زمان بیان مطلب حقیقت دارد، چنین فرضی را پیش فرض یا پیش‌انگاشت می‌نامند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۹). انواع پیش فرض‌ها عبارت‌اند از: الف) پیش فرض بالقوه^۱، ب) پیش فرض وجودی^۲، پ) پیش فرض واژگانی^۳، ت) پیش فرض واقعیت‌پذیری^۴، د) پیش فرض ساختاری^۵ (دستوری)، ج) پیش فرض واقعیت‌ناپذیری^۶ و ح) پیش فرض خلاف واقع^۷ (یول، ۲۰۰۰: ۳۰-۲۶). دقیقاً تمامی موارد بالا منطبق با نظر گیون هستند، چون گوینده‌ی این جملات منفی، شکل مثبت این جملات را طبیعی و پیش فرض یک زندگی قلمداد می‌کنند و با ذکر شکل منفی آن جمله، سعی در اصلاح نظر مخاطب دارند که طرف مقابلشان (همسر) این خصصت‌ها را ندارد؛ مثلاً در نمونه‌ی اول، گوینده، این پیش فرض وجودی را در ذهن دارد که شوهر باید دنبال کار باشد و چنین فرض می‌کند که قاضی و هر انسانی نیز دارای چنین پیش فرضی است و برای اصلاح باور قاضی و برای بازنمایی منفی شوهر خودش از نظر نحوی بجای جمله‌ی مثبت از جمله‌ای منفی استفاده کرده است تا به مخاطبش چنین القاء کند که چنین ذهنیت و پیش فرض وجودی را در مورد طرف مقابل من اصلاح کن، شوهرم فاقد چنین خصصتی است. در نمونه‌ی دوم، گوینده شکل مثبت جمله را به عنوان شرط لازم یک زندگی تلقی کرده و با بیان جمله‌ی منفی «من و بچه بهش اهمیت نداریم» خواسته است، این پیش فرض وجودی که مخاطب حتماً در ذهن دارد که هر زن و بچه‌ای باید برای مرد دارای اهمیت باشد را اصلاح بکند و با ساخت نحوی و شکل دادن جمله‌ای منفی، شوهرش را فاقد این پیش فرض وجودی قلمداد نماید؛ و به مخاطبش بفهماند که در مورد شوهر من چنین پیش فرض وجودی، صادق نیست. از نظر اشاره‌ی جملات منفی به یک حالت سکون و عدم پویایی نیز بسیاری از جملات منفی این زنان، گویای این ویژگی جملات منفی بودند که در آن‌ها، اشاره‌ای دارند به عدم تحرک، پویایی و تلاش همسرشان. با دقت در جملات منفی زیر که از جمله‌ی اظهارات همین زنان است، می‌شود استنباط کرد که این زنان از عدم تلاش و سعی طرف مقابل شکوه داشته و با این جملات به سکون و عدم تغییر آن‌ها اشاره دارند و با استفاده از جملات منفی می‌خواهند با این ساخت‌های منفی، اعمال منفی و نقاط ضعف طرف مقابل را بزرگ جلوه داده و مخاطب را بیشتر اذیت نمایند.

- من هم اوایل ایراداتی داشتم، پیشرفت کردم. ولی این آقا چی؟ اصلاً قصد اصلاح نداره.
- اصلاح بشو نیست.
- اصلاً برآش مهم نیستیم.

-
- 1 Potential presupposition
 - 2 Existential presupposition
 - 3 Lexical presupposition
 - 4 Factive presupposition
 - 5 Structural presupposition
 - 6 Non factive presupposition
 - 7 Counter factual presupposition

- منو دوست نداره.
- با کسی نمی سازه. (سازش)
- بدون اجازه‌ی اونا آب نمی خوره.

در نمونه‌های بالا، شاهد مثال‌هایی از جملات به لحاظ نحوی منفی هستیم که همگی این نمونه‌ها به حالت ایستایی، سکون و عدم پویایی طرف مقابل گوینده اشاره دارند. برای مثال در نمونه‌ی اول، گوینده به نکات منفی خود اشاره کرده و در آخر بیانات خود با یک جمله‌ی منفی به یک ویژگی منفی طرف مقابل اشاره کرده است (اصلاً قصد اصلاح نداره). این جمله‌ی منفی از لحاظ کاربردشناختی، نشانگر حالت ایستایی است. علاوه بر معنی زبان‌شناختی، پیامی بیشتر از صورت زبان‌شناختی دارد و به لحاظ کاربردشناختی، دارای یک بار منظوری است که نشانگر حالت ایستایی این خصلت منفی طرف مقابل است. در نمونه‌ی آخر، گوینده با بیان جمله‌ی منفی «بدون اجازه‌ی اونا آب نمی خوره» علاوه بر ذکر یک خصلت منفی شوهرش، قصد دارد دائمی بودن این خصلت را بیان کند. همان‌طوری که گفته شد این جمله‌ی منفی نیز علاوه بر معنی زبان‌شناختی خود، به لحاظ کاربردشناختی دارای این بار منظوری نیز هست که طرف مقابل از لحاظ این ویژگی در یک حالت سکون و ایستا قرار دارد و همیشه چنین رفتاری را دارد.

بعضی از ساخت‌های منفی نیز برای بزرگ‌نمایی کارهای مثبت خود، توسط خانم‌ها بکار برده می‌شوند. در این مثال‌ها که در زیر آمده‌اند، زنان مورد مطالعه با استفاده از ساخت‌های منفی خواسته‌اند، خود را از این ویژگی‌های منفی مبرا ساخته تا بدین طریق به هدف بزرگ‌نمایی اعمال و ویژگی‌های خود نائل آیند.

- نمی خوام دروغ بگم.
- دوست ندارم شوهرمو با سرووضع شلخته ببینم.
- دوس ندارم بچه‌ام فردا دزد بیار بیاد.
- من این جور نیستم. دلم میخاد آدم یه خرده ابهت داشته باشه.
- من که دختر خیابانی نیستم. خانواده‌ام از این جور خانواده‌ها نیستند. ما که دوستی خیابانی نداشتیم.

جملات بالا همگی به لحاظ نحوی ساختی منفی دارند ولی گوینده با به‌کارگیری این نوع جملات، هدفش تنها بازنمایی منفی طرف مقابل (شوهرش) نیست، بلکه هدف گوینده تبری جویی خود از این خصلت‌های منفی است. برای نمونه، اگر جمله‌ی نمونه‌ی اول را در نظر بگیریم، گوینده با استفاده از این جمله‌ی منفی، خواسته است از این خصلت منفی «دروغ‌گویی» تبری جوید تا بتواند به این وسیله به هدف بازنمایی مثبت خود دست یابد. یا در نمونه‌ی دوم با ساخت یک جمله‌ی منفی به لحاظ نحوی، دو هدف را دنبال کرده است، اولاً با شلخته معرفی کردن شوهرش، به بازنمایی منفی وی پرداخته و از طرفی خود را انسانی مرتب و دوستدار نظافت و شیک‌پوشی معرفی نماید تا بتواند خود را مثبت بازنمایی کند. در نمونه‌ی آخر، گوینده با استفاده از سه جمله‌ی منفی پی‌درپی، خود و خانواده‌اش را انسان‌هایی متشخص و مطیع هنجارهای اجتماعی معرفی نموده و مخاطب را اقناع می‌نماید که من و ما اهل تخطی از هنجارهای اجتماعی نیستیم.

۳-۴-۲ ساخت‌های تأکیدی

از لحاظ نحوی، همه‌ی ساخت‌های نشان‌دار نحوی، به‌نوعی ساخت‌های ایدئولوژیک هستند، زیرا با انتخاب یک ساخت نحوی مجاز و ممکن در آن زبان، گوینده یا نویسنده، یک جمله یا پاره‌گفتار را انتخاب و آن را به واحدهای اطلاعاتی خاص و با ارزش‌های متفاوت تقطیع می‌کند و سپس با حرکت و جابجایی سازه‌های نحوی و یا با انتخاب یک ساخت دستوری خاص از میان شقوق بالقوه‌ی ممکن، مثل معلوم، مجهول، ساخت اسنادی، شبه اسنادی، برجسته‌سازی و ... در یک پاره‌گفتار، برای ایجاد معنای مورد نظر و القای آن به کار می‌برند. در مقابل، بیشتر ساخت‌های نحوی بی‌نشان، در مرحله‌ی توصیف زبانی و کنش بیانی و معناشناختی، ایدئولوژیک نیستند؛ اما همین ساخت‌های بی‌نشان وقتی در مرحله‌ی تفسیر و تحلیل در بافت قرار گیرند، ایدئولوژیک می‌شوند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱).

سازه‌ای که در جمله، سازه‌ی برجسته^۱ محسوب می‌شود، کانون جمله است. زبان‌ها از ابزارهای متفاوتی مانند ابزار آوایی، نحوی و صرفی برای نشان دادن کانون استفاده می‌کنند. به‌طور کلی، حرکت سازه‌هایی از یک جمله به ابتدای آن، یا پیش‌اندازی^۲ به‌منظور برجسته کردن آن سازه، یکی از ابزارهای نحوی متداول در زبان‌ها برای بازنمایی مبتدا و کانون است (اروجی، ۱۳۹۱:۱۸۹).

باتلر، اسنادی سازی و شبه اسنادی سازی را دو فرآیند نحوی عمده برای بازنمایی کانون در بند می‌داند. زبان فارسی از هر سه ابزار برای کانونی سازی استفاده می‌کند (باتلر، ۱۶۷:۲۰۰۳).

زنان خواستار طلاق نیز در اظهارات خود، جهت هرچه بهتر رساندن پیام خود و در راستای بزرگ‌نمایی اعمال منفی طرف مقابل، عنصری از گفته‌ی خود را با مبتداسازی یا اسنادی‌سازی، برجسته‌سازی کرده تا بهتر بتواند به بزرگ‌نمایی جنبه‌های منفی همسرانشان دست یابد و یا حداقل مخاطب خود (قاضی) را اقناع نمایند. در زیر نمونه‌هایی از این جملات که در همگی به لحاظ نحوی عنصری کانونی و مورد تأکید واقع شده است، داده شده است.

- خیانت کرد شوهرم.
- سی هزار دادم پول آرایشگاه باباش اونقدر دعوایم کرد.
- یه حس نفرت ازش دارم.
- توهین می‌کنه، به خودم به خانواده‌ام.
- فحش توی خانوادشون عادت شده.

¹ - Prominent

² - Fronting

مثلاً در جمله‌ی نمونه‌ی اول (خیانت کرد شوهرم، خیانت)، گوینده با پیش‌آیندسازی (مبتداسازی) فعل جمله، خواسته است بر عنصر «خیانت کرد» شدت و عمق بخشیده و در کانون توجه جمله قرار دهد، درحالی که صورت بی‌نشان «شوهرم خیانت کرد» فاقد این تأکید و عمق‌بخشی است. یا در نمونه‌ی «یه حس نفرت ازش دارم»، درواقع از لحاظ نحوی صورت اولیه و بی‌نشان این جمله، به این شکل بود، «ازش یه حس نفرت دارم» که گوینده عنصر نحوی «حس نفرت» را از جایگاه اولیه‌اش منفک کرده و با پیش‌آیندسازی آن، به اول جمله برده است تا به لحاظ ایدئولوژیک به این ساخت منفک شده، یک برجستگی و شدت ببخشد.

در بعضی موارد، این برجسته‌سازی با تکرار قسمتی از جمله صورت می‌گیرد. قسمتی از جمله که از نظر گوینده حائز اهمیت است، آن قسمت را مجدداً تکرار کرده تا بتواند آن را در جمله، برجسته و کانونی نماید. زنان خواستار طلاق نیز، برای نیل به موفقیت در بزرگ‌نمایی عمل منفی همسرشان، از تکرار به‌عنوان ابزاری برای برجسته‌سازی استفاده می‌کنند. برای مثال به جملات زیر دقت نمایید.

- اهل رعایت نیست. رعایت حال طرف مقابل رو نمی‌کنه.
- خودم دیدم تو گوشه‌اش دیدم.
- اخلاقش، شوهرم اخلاقش خیلی تنده.
- خیانت کرد شوهرم، خیانت.
- کتک کاری می‌کنه، کارمون شده دعوا و کتک کاری.
- اصلاً دوستم نداره. از روز اول هم دوستم نداشت.

در همگی نمونه‌های بالا، گوینده یک عنصر نحوی را تکرار کرده. این تکرار نحوی یک اقدام ایدئولوژیک است، چون گوینده از بین همه‌ی سازه‌های نحوی عنصری را تکرار کرده است که به نظرش مهم است و تکرار این عنصر نحوی، اقناع ایدئولوژیک و تأکید بر این عمل طرف مقابل را تسهیل می‌نماید. برای مثال در نمونه‌ی «اهل رعایت نیست. رعایت حال طرف مقابل رو نمی‌کنه»، گوینده برای شدت بخشیدن به بی‌ملاحظه بودن شوهرش، واژه‌ی «رعایت» را دو بار تکرار کرده است. در نمونه‌ی «کتک کاری می‌کنه، کارمون شده دعوا و کتک کاری»، گوینده از بین بقیه‌ی عناصر نحوی و واژه‌ها، برای تأکید بر صفت منفی شوهرش، در یک اقدام ایدئولوژیک، عنصر نحوی «کتک کاری» را تکرار کرده است.

۳- ۵ بلاغت

ساختارهای بلاغی خاص در گفتمان، نظیر تکرار روساختی (قافیه، همگونی آوایی) یا صنایع معنایی مانند استعاره، ممکن است در مواردی تابعی از کنترل ایدئولوژیک باشند. این امر زمانی رخ می‌دهد که اطلاعاتی که برای ما ناخوشایند است بی‌اهمیت جلوه داده می‌شوند و درعین حال، اطلاعات منفی درباره‌ی آن‌ها (خانم‌ها) مورد تأکید قرار می‌گیرند. بسیاری از صنایعی که ما

آن‌ها را در چارچوب رتوریک کلاسیک می‌شناسیم، دارای این تأثیر خاص به‌عنوان کارکرد اصلی خود هستند. (برای مثال مبالغه کردن و کوچک نشان دادن، اغراق (بزرگ‌نمایی)، حسن تعبیر، تعدیل، تخفیف و تکرار) (ون‌دایک، ۱۳۸۹: ۴۵۰).

عملیات معنایی بلاغی، از جمله اغراق، کوچک نشان دادن، کنایه و استعاره، رابطه‌ی نزدیک‌تری با مدل‌های زیرساختی و اعتقادات اجتماعی دارند؛ مثلاً ایدئولوژی‌های نژادپرستانه، جنسیت‌گرا و دیگر ایدئولوژی‌های نابرابری طلب، ممکن است مشخصاً به‌تنهایی از طریق استعمال واحدهای واژگانی تحقیرآمیزی که به اقلیت‌ها یا زنان اشاره داشته باشند و همچنین از طریق کاربرد استعاره‌های موهنی بیان شوند که به کوچک کردن و به حاشیه کشاندن یا غیرانسانی جلوه دادن «دیگران» می‌پردازند. از این رو، نازی‌ها در تبلیغات خود، یهودیان، کمونیست‌ها و سایر اقلیت‌های قومی و اجتماعی را با جانوران کثیف (موش‌ها، سوسک‌ها) مرتبط می‌ساختند (هلیک^۱، ۱۹۸۹).

از آنجاکه قبلاً هم گفته شد، بیشترین تلاش زنان در دادگاه خانواده، بر روی بزرگ‌نمایی اشتباهات و اعمال منفی همسرانشان است، برای نیل به موفقیت و اقتناع هر چه بیشتر مخاطب از کنایه، تشبیه، استعاره و از همه بیشتر اغراق استفاده کرده، چون اغراق بهترین و مناسب‌ترین راه برای رسیدن به اهداف گفتمانی و اقتناع ایدئولوژیک برای بزرگ‌نمایی ایرادات طرف مقابل و برجسته‌سازی و مثبت‌نمایی اعمال خود است. در زیر نمونه‌هایی از صناعات ادبی مورد استفاده‌ی زنان در دادگاه خانواده ارائه می‌گردد.

- **کله‌ام دیگه داغ شده.** (کنایه از عصبانیت بیش‌ازحد)
- **دل به کار نمیده.** (کنایه از بی‌علاقگی به کار)
- دوستم خودش گفت که شوهرت خیلی **پاپیچم شد.** (کنایه از اصرار و ایجاد دردسر)
- سر کار هم با کسی نمی‌سازه، هی از اینجا به اونجا **پاش میدن.** (کنایه از سردرگمی)
- **قدمی برا من جلو نمی‌زاره.** (کنایه از عدم فعالیت)
- **حرف دهنشو نمی‌فهمه.** (کنایه از حرف بیجا زدن)
- این آقا راننده است اون قدر در رانندگی جلو رو نگاه کرده که در زندگی هم همین کار رو می‌کنه. (تشبیه و استعاره)
- میگه **قید خانواد تو بزَن.** (کنایه از قطع روابط و امید)
- **بذر کینه و نفاق در زندگی من کاشته شد.** (کنایه از دورویی و دشمنی)

در گفتمان زنان مورد مطالعه در بافت و فضای دادگاه، به علت مواجهه با یک قاضی، از صورت‌های دارای حسن تعبیر نیز استفاده می‌شود، مثلاً بجای اشاره صریح به رابطه‌ی جنسی، اغلب از اصطلاح «مسائل زناشویی» استفاده می‌شود. یا در مواردی، این زنان برای اشاره به نهایت فحاشی همسرانشان برای اجتناب از بکار بردن خود دشواژه‌ی به‌کاربرده شده توسط همسرشان مجبور به استفاده از حسن تعبیرهایی نظیر زیر هستند.

¹ - Ehlich

- «اوایل خوب بود هر وقت می خواست بالاخره **کنار هم بودیم** ولی الآن من سه تا بچه دارم».
- در این گفته، خانم برای اجتناب از ذکر کوتاهی‌اش در هم‌خوابگی، از صورتی دارای حسن تعبیر «**کنار هم بودیم**» استفاده کرده است. به هر عنوان این عبارت دارای حسن تعبیر به لحاظ معنایی و کاربردشناختی، حافظ وجهه است و گوینده به سهولت توانسته برای احتراز از بی‌ادبی و زشت‌گویی با این عبارت به‌گویانه منظور خود را رسانده و به اقناع مخاطب نائل گردد.
- «بهم زنگ می‌زنه میگه کجایی **فلان فلان** شده؟».
- «**چیزی براش کم نداشتم**».
- «این آقا زنگ می‌زنه به مامانم به آبجی‌ام، رک و پوست‌کنده و با اسم فحش ناموسی و رکیک می‌ده».
- «پدرشوهرم، من که عروسشم فحش‌هایی رو می‌ده که باورتون نمی‌شه».
- «چیزی براش کم نداشتم». برای دوری از ذکر موفقیت خودش (خانم) در مسائل و روابط جنسی، از این جمله که دارای حسن تعبیر نیز است استفاده شده است.
- «حاج‌آقا این آقا به مامانم **فحش ناموسی** می‌ده». برای اجتناب از ذکر خود فحش از واژه‌ی دارای حسن تعبیر «ناموسی» استفاده شده است.
- «میره سرویس، از سرویس که برمی‌گرده **همه چی** رو بهش آماده و **فراهم می‌کنم**».
- در این نمونه، منظور از کلمه‌ی «فراهم کردن»، اشاره‌ای است به موفقیت و تلاش در ادای وظایف زناشویی و جنسی. گوینده خواسته است تا بتواند از بکار بردن صورت ناخوشایند و دشواژه‌ی روابط زناشویی اجتناب نماید.
- «من فقط نان آور دارم، **شوهر** ندارم».
- این گفته، از اظهارات خانمی بود که شوهرش مشکل جنسی داشته و خانم از آن جهت رنج می‌برد، ولی برای اجتناب از ذکر موارد و مصداق‌های آن، تنها به ذکر این جمله که خیلی دارای حسن تعبیر است بسنده کرده است. از نظر کاربردشناختی، هرکسی از نزدیکان فرد می‌تواند نان‌آور باشد ولی تنها یک نفر می‌تواند شوهر باشد. در این مفهوم شوهر بودن یعنی تأمین نیازهای جنسی.
- «میریم خیابون، پیش من می‌گه بین **کمر** اون دختره رو. حاجی بیشتر نمی‌تونم توضیح بدم. **کل اندام** دخترا رو می‌گفت».
- در گفته‌ی بالا، خانم در سه مورد از حسن تعبیر استفاده کرده است. ذکر واژه‌ی «کمر» برای احتراز از بکار بردن واژه‌های تابوی دیگر هست و «کل اندام‌های دخترها» نیز در راستای استفاده از عبارات دارای حسن تعبیر هست و مهم‌تر از همه، گوینده صریحاً دلیل استفاده از این عبارات دارای حسن تعبیر را بیان کرده است و با خطاب کردن قاضی دادرس به‌عنوان «حاجی» دلیل این

پوشیده گویی را بیان کرده و در نهایت با ذکر جمله‌ی «حاجی بیشتر نمی‌تونم توضیح بدهم» می‌خواهد مخاطب را اقناع سازد که مسئله و مشکل بیش از آنچه گفته می‌شود، است.

هر انسانی برای شرح گفته‌هایش و برای هر چه روشن‌تر و آشکار کردن ایده‌هایش، دست به کارهایی متعدد می‌زند تا بهتر بتواند در جریان تفهیم و تفاهم، مخاطب خود را اقناع نموده و شنونده را به عمق مطلب رهنمون سازد. انسان جهت نیل به این هدف، شاید از ابزارهای متعدد استفاده نکند. یکی از این ابزارها، بخصوص ابزار زبانی، مثال آوردن است؛ که در آن با ذکر مثالی، تلاش می‌شود برای اثبات ادعای خود به پاره‌ای از مثال‌ها و ذکر موارد، پرداخته تا مخاطب بهتر و موفق‌تر اقناع گردد. هر چه مثال‌ها و موارد ارائه‌شده موثق‌تر و متقن‌تر باشند به همان میزان در اقناع و همراه ساختن مخاطب موفق‌تر خواهیم بود. در تمثیل، گوینده ابتدا یک مفهوم کلی را عنوان کرده و با مثال‌هایی می‌خواهد گونه‌ها و جزئیات موردنظرش را مشخص و معین سازد. گوینده با این پیش‌فرض که شنونده به عمق مطلب پی نبرده است به ذکر مثال می‌پردازد.

در گفتمان زنان خواستار طلاق نیز، به‌وفور با این ابزار زبانی و گفتمانی مواجه هستیم و در گفتمان زنان مورد مطالعه‌ی نوشته پیش‌رو، خانمی نبود که نخواهد مطلب خود را با تمثیل ارائه نکند. جملات زیر، نمونه‌هایی است از مثال‌های بکار رفته در گفتمان زنان مورد مطالعه:

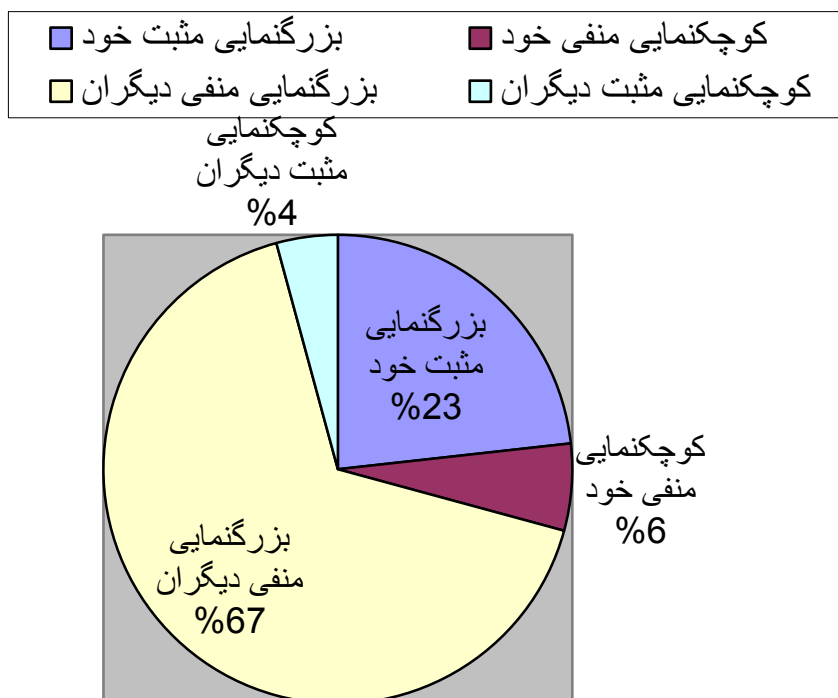
- برای رسیدن به مواد دست به هر کاری می‌زند. حتی قלק بچه رو شکست. از خونه دزدی می‌کنه.
- بهش محبت می‌کنم. موهاشو شونه می‌زنم، لباساشو اتو می‌زنم، میگم دوست دارم، اصلاً نمی‌فهمه.
- از راه که رسید همه چی رو بهش فراهم می‌کنم، چایی، بهترین غذا، غذای مطلوبش، ولی این میره دنبال کیک و کلوچه.
- اسرار خونه رو همه جا پخش می‌کنه. میره مشکلات و نارضایتی‌های جنسی شو به باباش، داداشم و حتی مغازه‌دار سر کوچه هم می‌گه.
- بدبینه، حتی به داداشم. مثلاً میرم خونه مامانم، زنگ می‌زنه، میگه با کی هستی؟ میگم با داداشم. دعوا می‌کنه که چرا با اون تنهایی. حتی با مامانش هم گرم می‌شم سریع واکنش نشون میده.
- ثبات فکری نداره، امروز میگه این تیپ رو بزنی فرداش میگه اون تیپ و بزنی، پس فرداش میگه چادر بپوش.
- اصلاً براش مهم نیست، نه بچه، نه من، نه خونه، نه زندگی.

در نمونه‌ی اول، گوینده، برای بازنمایی منفی طرف مقابل جمله‌ی «برای رسیدن به مواد دست به هر کاری می‌زند» را به‌کار برده است و متعاقباً برای روشن‌سازی و تشریح این ویژگی منفی شوهرش دو جمله‌ی «قלק بچه رو شکست» و «از خونه دزدی می‌کنه» را مثال آورده است. در نمونه‌ی دوم، گوینده، جمله‌ی «بهش محبت می‌کنم» را بیان کرده و برای بیان کم و کیف و چگونگی این عمل خودش، سه جمله‌ی «موهاشو شونه می‌زنم»، «لباساشو اتو می‌زنم» و «میگم دوست دارم» را مثال آورده است. در آخرین نمونه، گوینده برای مطلب خود، چهار جمله را به‌عنوان مثال آورده است.

۴- نتیجه گیری

با توجه به بررسی اظهارات زنان مورد مطالعه‌ی این نوشته، بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک، به این نتیجه رسیدیم که زنان مورد تحقیق نیز، با توجه به اینکه جلسه‌ی دادرسی دادخواست طلاقشان یک جلسه‌ی تعیین سرنوشت زندگی خود زن و فرزندانست و مسئله‌ی بُرد و یا باخت یک زندگی زناشویی چندین ساله در یک کارزار قدرت نابرابر است، بنابراین افراد مورد مطالعه، در تبیین علت مراجعه‌شان به دادگاه خانواده، برای اقناع دادگاه، مبنی بر معقول و ضروری بودن درخواست طلاقشان به انواع راهبردهای زبانی جهت بزرگ‌نمایی رفتارهای منفی همسرانشان و بزرگ‌نمایی رفتار مثبت خود و خودی‌ها دست می‌زدند. این زنان کمتر به دو بُعد مربع ایدئولوژیک ون دایک می‌پرداختند؛ یعنی توجه خاصی به کوچک‌نمایی رفتارهای مثبت طرف مقابل و کوچک‌نمایی رفتارهای منفی خود نمی‌کردند. این عدم ذکر داشته‌های مثبت طرف مقابل و عدم ذکر خصوصیات منفی خود و خودی‌ها، منطبق با نظر ون دایک (۲۰۰۶) می‌باشند.

در نمونه‌ی مورد مطالعه‌ی این نوشته، از مجموع ۳۲۸ جمله‌ی دارای بار ایدئولوژیک، ۲۱۷ مورد آن جملات، برای بزرگ‌نمایی ویژگی‌های منفی شوهران و اطرافیانشان بود و ۷۵ جمله، برای بزرگ‌نمایی نکات مثبت خود و خودی‌ها بکار رفته است. بر اساس مقاله‌ی ۲۰۰۶ ون دایک، نقاط منفی ما و نقاط مثبت آن‌ها به صورت ضمنی باقی می‌مانند. در مقاله‌ی حاضر زنان مورد مطالعه نیز، کمتر رغبتی به صحبت در مورد نکات منفی خود و نکات مثبت طرف مقابل داشتند، به طوری که از ۳۲۸ جمله مذکور، تنها ۱۹ مورد، در زمینه‌ی نکات منفی خود و خودی‌ها و ۱۷ مورد، در زمینه‌ی نکات مثبت شوهرانشان بود. آن‌هم به طوری که یا از ویژگی‌های منفی خود و خودی‌ها صحبتی نمی‌شد یا اگر می‌شد، آن ویژگی را معلول رفتار بد آقا می‌دانستند. جهت سهولت در درک، آمار و ارقام به صورت نمودار ذیل داده شده.



منابع و مأخذ:

اروجی، محمدرضا (۱۳۹۱)، حرکت سازه به ابتدای جمله در زبان فارسی: مبتداسازی یا کانونی سازی. مجله‌ی ادبیات و زبان‌ها، دستور - شماره ۸، صص ۱۱۸-۱۱۲

آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۴). زبان‌شناسی قضایی (قانونی)، رویکرد نوین در زبان‌شناسی کاربردی، (مجموعه مقالات): اولین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، دانشگاه تهران.

آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۹۱). توصیف ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان. فصلنامه‌ی پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، د ۳، ش ۲ (پیاپی ۱۰)، صص ۱-۱۹

آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۹۱). زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی) ویراست دوم. تهران، انتشارات علم.

آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران، انتشارات علمی.

تقی‌پور، مرجان (۱۳۹۴). روش‌های اقناع و کلا در دادگاه‌های کیفری از بعد زبان‌شناسی حقوقی. مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. ۷۵-۹۹

داودی رئیسی، ماندانا. (۱۳۸۴)، تأثیر روابط قدرت بر ژانر دفاع از کودکان بزهکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی:

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، تهران.

روشن، بلقیس (۱۳۹۴). ویژگی‌های کلامی جمل‌های میان زنان و مردان در دادگاه‌های خانواده‌ی شهر تهران. مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. ۱۷۰-۱۴۷

لسانی، متین سادات. بریمانی، شعبان. (۱۳۹۲). زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان افراد حاضر در دادگاه‌های شهر تهران بر اساس اصول همکاری گرایس. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی. ۹۹-۱۱۱

محسنی فرد، فرزانه (۱۳۸۸). راهبردهای زبانی ایجاد سلطه و اقتدار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه پیام نور.

مؤمنی، نگار. (۱۳۹۱). تحلیل جرم‌زبانی «دروغ در نظام قضایی» از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعه‌ی موردی در محاکم قضایی تهران).

دو فصل‌نامه‌ی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا (س). سال چهارم، شماره ۷

ون‌دایک، تئون. (۱۳۸۹)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها. چاپ اول.

Butler.C.S. (2003), *Structure and Function: A Guide to Three Major Structural Functional Theories*. John Benjamins Publishing Company.

Croft, William (1990), *Typology and Universals*, 2nd edition. Cambridge, Cambridge University Press

Ehlich, K. (1989), *Sprach Im Faschismus*, Suhrkamp, Frankfurt.

Fairclough, N. and R. Wodak, 1997, "critical Discourse Analysis" *Discourse and Social interaction*, (eds) by. T. van Dijk, Sage, P: 258-284

Flower, R. (1991), *language in the News. Discourse and Ideology in the Press*, Routledge, London.

Givon, Talemey (2001), *Syntax, an Introduction*, vol. I. Amsterdam, The Netherlands: Benjamins.

Groot Gerard, Rene (2003) *language and law*. The Netherlands, maastricht university press.

Halmari, Helena and Virtanen, Tuija. (2005). *Persuasion Across Genres: A linguistic approach*. USA, Philadelphia, John Benjamin Publishing Co.

Kress, G. And Hodge, B. (1993), *language as ideology* (second edition). Routledge and Kegan Paul, London.

Ruth Wodak & Teun A. van Dijk, (2000) Eds. *RACISM AT THE TOP. Parliamentary Discourses on Ethnic Issues in Six European States*. Klagenfurt: Drava Verlag.

Shuy, Roger W. (2006). *Linguistics in the Courtroom*, New York, Oxford University Press.

- Solan, L. and Tiersma, P. (2003). Hearing voices: speaker identification in court. *Hastings law journal*, 54: 373-435.
- Van Dijk, T.A. (1991a), *Racism and the Press*, Routledge, London.
- Van Dijk, T.A. (1998). *IDEOLOGY. A Multidisciplinary Approach*. London: Sage.
- Van Dijk, T.A. (2000). Ideologies, Racism, Discourse. *Debates on Immigration and Ethnic Issues*. In Jessica ter Wal & Maykel Verkuyten (Eds.), *Comparative Perspectives on Racism*. (pp. 91-116).
- Van Dijk, T.A. and Kintsch, W. (1983), *Strategies of Discourses Comprehension*, Academic Press, New York.
- Van Dijk, T.A. (2006). *Discourse and manipulation*, *Discourse & Society*, 17(2), 359-383, London.
- Yule, George (2000). *Pragmatics* (fifth published), Oxford, Oxford University Press.

Inter national Refrences:

- Aghagolzadeh. Ferdows (2005). *Zabanshenasi gazayi (ganoni). Roykarde novin dar zabanshenasi karbordi*, (majmoeye magalate): Avalin hamayeshe Anjomane zabanshenasi Iran. Daneshgahe Tehran.
- Aghagolzadeh. Ferdows (2010). *Farhange Tosifi Tahlil goftman va karbord shenasi*. Tehran, Entesharate Elmi.
- Aghagolzadeh. Ferdows (2010). *Tosife sakthaye Zabaniye Ideologic dar tahlil goftman. Faslnamehye pazhoheshhaye zaban va Adabiyate Tatbigi*, sale 3. Shomareye 2.
- Aghagolzadeh. Ferdows (2010). *Zabanshenasiye hogogi (nazari va karbordi) viraste 2*. Tehran, Entesharate Elmi.
- Davoodi Raiisi, Mandana (2005). *Tasire Ravabete godrat bar zhanre defaye koodakane bezehkar*, payan nameye karshenasi Arshad, daneshgahe Allameh Tabatabaai: Daneshkadeye zabanhayeh khareji. Tehran.
- Lesani, Matinsadat & Berimani, Shaban (2013). *Zabashenasi hogogi: tahlil goftman afrade hazer dar dadgah haye shahre Tehran bar asas osole hamkari Graice*. Majmoeye magalate dovomin hamayeshe melliye zabanshenasi ye hogigi: Tahlil goftmane hogogi.
- Mohseni fard, Farzaneh (2009). *Rahbord haye zabani ijade solteh va egtedar*. Payan nameh karshenasi Arshad. Tehran, Daneshgahe Payam e Noor.
- Momeni, Negar (2012). *Tahlile jorme zabani "dorogh dar nezame gazaii" az manzare zabanshenasi hogogi (motaleye moredi dar mahakeme gazaii Tehran)*. Do fasl nameheye zaban pazhoiye daneshgahe Alzahra. Sal4. Shomare 7.
- Orooji, Mohammad Reza (2010). *Harakate Saze be ebtedaye jomleh dar zabane farsi: Mobtadasazi ya kanooni sazi. Majaleye Adabiyat va zabanha*, Dastoor. shomareye 8.

RowShan, Belgeys (2015). *Vizhegihayeh kalamiyeh jadalhayeh miyane zanan va mardan dar dadgah hayeh khanevadeh shahre Tehran*. Majmooyeh magalate dovomin hamayeshe melliye zabanshenasi ye hogigi: Tahlil goftmane hogigi.

Tagipoor, Marjan (2015). *Ravesh hayeh Egnayeh Vokala Dar Dadgahhayeh Kiyfari Az Boode ZabanShenasiye Hogigi*. majmoeye magalate Dovomin Hamayeshe Melli Zabanshenasi Hogigi: Tahlil Goftmane Hogigi.

Vandijk, Teon (2010). *Motaleati dae tahlil goftman az dastore tatn ta goftman kaviye entegadi*. Gorohe motarjeman. Rehran: Markaze motaleate Rasaneh ha. Chap Aval.